

۰۷۷۸۶۳۵۳۴۹۴

عمیدالناصر ساروش

(افغان)

ABDUL NASER
SAROSH

اعظم رهنورد زریاب

رهنورد زریاب در سال ۱۳۲۳ هجری خورشیدی، در گذر ریکا خانه کابل دیده بجهان گشود. بعد از بیایا- ن رسانیدن لیسه حبیبیه شامل دانشگاه کابل گردیده، که در جریان تحصیل همیشه دانش آموز ممتاز در بین همقطاران خود بوده است. از دانشگاه کابل در رشته روزنامه نگاری، لیسانس و متعاقباً از دانشگاه ویلز جنوبی بریتانیا موفق به اخذ دیپلوم فوق لیسانس گردید. رهنورد زریاب، در ماه حوت سال ۱۳۶۸، به ریاست انجمن نویسندگان افغانستان برگزیده شد و در ماه میزان سال ۱۳۷۰ از این مقام کناره گرفت. تا کنون این نیشته های او به شکل کتاب به چاپ رسیده:

- «آوازی از میان قرن ها»، مجموعه داستان

- «دوستی از شهر دور»، مجموعه داستان

- «مرد کوهستان»، مجموعه داستان

- «نقش ها و پندار ها»، مجموعه داستان

- «گنگ خوابدیده»، پژوهش های ادبی - هنری

- «حاشیه ها»، پژوهش های ادبی - هنری

- «پیراهن ها»، ترجمه داستانهای کوتاه جهان

- «شمعی در شبستانی»، مجموعه مقاله ها

- «هدیان های دور غربت»، طنزینه ها

کتاب دیگر او بنام «دور قمر» که نگرشی است به رویداد های بیست سال اخیر افغانستان، از دوازدهم ماه دلو ۱۳۷۳ تا پنجم سنبله ۱۳۷۵ در شماره های مسلسل جریده «وفا» نشریه انجمن نویسندگان افغانستان آزاد- در پشاور به چاپ رسیده است. فلمنامه یی هم بنام «اختر مسخره» نوشته که به اساس آن فلمی به همین نام، به کارگردانی انجنیر لطیف، در کابل ساخته شده است. کار های روزنامه نگاری او چون گزارش ها و مصاحبه ها، در خلال سال های ۱۳۵- ۱۳۵۷ بسیار بوده است. نقد فلم، نقد تیتر، و نقد کتاب هم نوشته است. این نیشته های او غالباً، با نام های مستعار «تاب» و «زر» به چاپ رسیده اند.

۰۸۰ ۸۴۸۸۵۲۶۵۳۴۹۴

Barmat
انجمن نویسندگان افغانستان

لطیف ناظمی

در سال ۱۳۲۵ خورشیدی در هرات تولد گردیده، و تا ۱۵ سالگی دانشهای مروج چون فقه، منطق و زبان عربی را در محضر استادان دیاران آبابی آموخت.

او از نخبه دانش آموزانی بوده است که نه تنها از محضر استاد بزرگ علامه شیخ محمد طاهر قندهاری فیض برده بلکه موهبت درک استاد را نیز داشته است.

ناظمی سپس شامل لیسه سلطان غیاث الدین هرات گردیده که پس از اتمام موفقانه آن مدرسه، جهت ادامه تحصیل به فاکولته ادبیات نامنویسی کرد. او در سال ۱۳۴۸ مدرک تحصیلی لیسانس را اخذ و متعاقباً در بخش هنر و ادبیات رادیو افغانستان شامل کار شد، که پس از چندی سمت استادی فاکولته ادبیات را احراز نمود.

ناظمی مسؤلیت نوشتن و تهیه مطالب برای برنامه ترازوی طلایی را چندین سالی بعهده داشت، که آن برنامه از شهرت خاص در میان شنونده گان چیز فهم رادیو در کشور برخوردار بود.

او در اوایل دهه شصت به صفت استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه همبولت آلمان شرقی پذیرفته شده و راهی آن کشور گردید. ناظمی پس از چندی تصمیم اتخاذ نمود تا از مسولیت های دولتی کناره گیری نماید، که به تعقیب آن به کشور آلمان رفت. ناظمی به صفت شاعر، نویسنده، منتقد و استاد دانشگاه جای خاص در ادبیات معاصر افغانستان دارد. او نخست شعر را از سرایش قصیده و غزل آغاز نموده و سپس به شعر نیمایی رو آورد که در این راستا به استاد بی بدیل و از بزرگان آن سبک در کشور ماست. مهارت های ناظمی به شعر خلاصه نشده او به زبانهای انگلیسی آلمانی و عربی بلدیت دارد. لطیف ناظمی از جمله شاعران، نویسندگان، محققان و نقد نویسان دست اول کشور بوده که نثر او از شیوایی فصاحت و زیبایی خاصی برخوردار است.

از آثار مهم ناظمی میتوان از سایه و مرداب، باد در فانوس، در بیشه های باد، پنجره ای بسوی خیابان و از باغ تا غزل نام برد.

آثار منشور او چون مقدمه ای بر داستان نویسی معاصر در داخل و خارج کشور چاپ گردیده است.

دوستان ارجمند درود گرم مهرآمیز بر شما. درود بی کران بر مردم دلیر، مردم زجر دیده‌ی جنگ زده‌ی افغانستان.

جنگ که نابود باد روح‌اش و نام‌اش

این همه خون و خرابه باد حرام‌اش

امروز روی سخن‌ام با خواهران عزیز هم‌زبان‌ام، با زنان افغان است که بیش‌ترین دشواری و دهشت‌بارترین دوران را با شکیبائی به‌سر آورده‌اند.

اینک با دلی سرشار از شادی، برخوردار از قانون والای برابری حقوق را به زنان افغانستان صمیمانه تبریک می‌گویم.

تساوی حقوق زن و مرد در جامعه، حق انسانی ما زنان است که مدت‌ها و مدت‌ها پیش از این بایستی دارای آن می‌بودیم. اما نبودیم، محروم بودیم. یا این حق طبیعی را ستمگرانه به ما ندادند، یا خودمان خواب زده بودیم و آن را به‌دست نیاوردیم، یا هر دو. اما گفته‌اند پیش‌گیری از زیان، در هر زمان سود است.

چه پُرشکوه است نیمه‌ی سرفراز خانواده‌ی بزرگ بشر بودن، با هر انسان روی زمین برابر بودن و از حق ساختن سرنوشت خویش آزادانه بهره‌ور بودن، که

خواهران بزرگوار رنج دیده‌ی من، بانوان افغان! امروز خواهش‌ام از شما این است که بر تخت روان حاکمیت قانون، قانون برابری حقوق، در تمامی شئون جامعه، بنشینید و پیش‌بتازید. بتازید به‌سوی رهایی، روشنائی، به مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها، و به یاری مادر کهن‌سال زخم‌خورده میهن‌تان - که چشم انتظار شماست.

بازبان‌نهاد

دل‌ام می‌خواهد با شما حرف بزنم - بانوان افغان - قناری‌های زیبای قفس نشین! بال و پر باز کنید. پرواز کنید، و زندگی‌نوساز امروز و آینده‌ی خودتان را آغاز کنید.

ما - زادگان سرزمین‌های شعر و موسیقی و آفتاب حق داریم شاد و آزاد زندگی کنیم. و این حق همه‌ی انسان‌های روی زمین است.

اجازه بدهید شعر تازه‌ام به‌نام «روح زن» را برای‌تان بخوانم.

س. ر. ه.
(۶۵۵) ن.

۱۱ فروردین ۲۰۰۲